

A Critique of the Order and Chaos Model in the Poetry Collections *Tefli be Nām-e Shādi* (A Child Named Joy) and *Name-i be Āsmān* (A Letter to the Sky) by Shafiei Kadkani, Based on Yuri Lotman's Cultural Semiotics Approach

Shirzad Tayefi^{1*} , Mobin Moghtader Pormehr² 

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Responsible Author). (taefi@atu.ac.ir).

2. MA in the field of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (mobinpormehr7@gmail.com).

Received: 2024/08/25

Received in revised form: 2024/08/25

Accepted: 2024/09/01

Published: 2024/09/01

Abstract

Cultural semiotics is an approach used to explore and trace culture; therefore, the reading of literary texts can play an important guiding role in this process. This study, drawing on Yuri Lotman's model of order and chaos and using qualitative analysis and library-based research, examines the concept of culture and its components in two poetry collections *Tefli be Nām-e Shādi* (A Child Named Joy) and *Name-i be Āsmān* (A Letter to the Sky) by Mohammad-Reza Shafiei Kadkani. The research emphasizes the importance of representing the interaction among culture, counterculture, and non-culture in the poet's works and explains the mechanisms of order and chaos within the semiotic sphere of his poetry. The findings reveal that cultural, countercultural, and non-cultural codes in Shafiei Kadkani's poetry, through interaction or opposition, construct order and chaos. The interaction between culture and counterculture leads to chaos, the collapse of the old order, and the formation of a new cultural order, while non-culture either generates chaos or preserves the old order. Shafiei Kadkani's poetic culture is characterized as a fluid and semi-open system that reconstructs meaning through dialogical engagement with counterculture, thereby revitalizing cultural identity. This process positions the poet as an active agent who, through reciprocal interaction with the countercultural "Other," participates in the re-creation of culture and resistance against identity crises. Ultimately, Shafiei Kadkani's poetry provides a space for the reproduction of meaning and the preservation of cultural vitality.

Keywords: *Tefli be Nām-e Shādi* (A Child Named Joy), *Name-i be Āsmān* (A Letter to the Sky), Cultural Semiotics, Order, Chaos

Cite as: Tayefi, Shirzad; Moghtader Pormehr, Mobin. A Critique of the Order and Chaos Model in the Poetry Collections *Tefli be Nām-e Shādi* (A Child Named Joy) and *Name-i be Āsmān* (A Letter to the Sky) by Shafiei Kadkani, Based on Yuri Lotman's Cultural Semiotics Approach. *Iranian History of Culture*. 2024; 1(2): 189-215.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online):

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/ihc.2025.69605.1105

* Corresponding Author: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
taefi@atu.ac.ir

نقد الگوی نظم و آشوب در دفترهای شعری «طفلی به نام شادی» و «نامه‌ای به آسمان» شفیعی کدکنی، با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان

شیرزاد طایفی^{۱*}، مبین مقتدر پرمهر^۲

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.. (نویسنده مسئول). taefi@atu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران mobinpormehr7@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

چکیده

نشانه‌شناسی فرهنگی رویکردی برای کاوش و ردیابی فرهنگ است؛ از این رو خوانش متون ادبی می‌تواند در این مسیر مهم راهگشا باشد. این پژوهش با بهره‌گیری از الگوی نظم و آشوب لوتمان، به روش تحلیل کیفی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مفهوم فرهنگ و عناصر آن را در دو دفتر شعری «طفلی به نام شادی» و «نامه‌ای به آسمان» از محمدرضا شفیعی کدکنی بررسی می‌کند. این پژوهش اهمیت بازنمایی تعامل فرهنگ، پادفرهنگ و نافرهنگ را در شعر شاعر برجسته می‌نماید و چیستی سازوکارهای نظم و آشوب را در سپهر نشانه‌ای شعر تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که رمزگان‌های فرهنگی، پادفرهنگی و نافرهنگی در شعر شفیعی کدکنی از طریق تعامل یا تقابل، نظم و آشوب را شکل می‌دهند. تعامل فرهنگ با پادفرهنگ به ایجاد آشوب، فروپاشی نظم قدیم، و شکل‌گیری نظم نوین فرهنگی منجر می‌شود؛ در حالی که نافرهنگ یا آشوب ایجاد می‌کند یا نظم قدیم را حفظ می‌کند. فرهنگ شعری شفیعی کدکنی نظامی سیال و نیمه‌باز است که از طریق گفت‌وگومندی با پادفرهنگ، معنا را بازسازی کرده، هویت فرهنگی را پویا می‌سازد. این فرایند، شاعر را به‌عنوان کنشگری معرفی می‌کند که ضمن تعامل دوسویه با دیگری پادفرهنگی، به بازآفرینی فرهنگ و مقاومت در برابر بحران‌های هویتی می‌پردازد. در نهایت، شعر شفیعی کدکنی فضایی برای بازتولید معنا و حفظ پویایی فرهنگی است.

کلیدواژه‌ها: طفلی به نام شادی، نامه‌ای به آسمان، نشانه‌شناسی فرهنگی، نظم، آشوب

نحوه ارجاع: طایفی شیرزاد، مقتدر پرمهر مبین. (۱۴۰۳). "نقد الگوی نظم و آشوب در دفترهای شعری «طفلی به نام شادی» و «نامه‌ای به آسمان»

شفیعی کدکنی، با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان". تاریخ فرهنگ ایران ۲۱(۲): ۱۸۹-۲۱۵.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی:

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/ihc.2025.69605.1105

مقدمه

دانش نشانه‌شناسی را می‌توان به عنوان رویکردی در جهت خوانش و نقد آثار ادبی در نظر گرفت. به بیان مکاریک^۱، نخستین مطالعه نظام‌مند این دانش را می‌توان در اثر پوئنسو^۲ با عنوان *رساله‌ای درباره نشانه‌ها*^۳ جست‌وجو کرد. جان لاک^۴ در *رساله‌ای درباره فهم بشری*^۵ پیشنهاد کرد که نظریه‌ای با نام "نشانه‌شناسی" ساخته شود تا به ارتباط میان اندیشه‌ها و نشانه‌ها بپردازد (مکاریک، ۱۳۹۸: ۳۲۶-۳۲۷)؛ با این حال، پس از آراء سوسور^۶ و پیرس^۷، نشانه‌شناسی به شکل دانشی منسجم مورد مطالعه قرار گرفت.

یوری لوتمان^۸ با ارائه الگوهایی منسجم و نیز مطالعات سازوکار نشانه‌ای فرهنگ؛ شاخه نشانه‌شناسی فرهنگی^۹ را ایجاد کرد (سنسون، ۱۳۹۰: ۱۵۵). ارنست کاسیرر^{۱۰} با کاربری این اصطلاح، جامعه و فرهنگ را در بستر نشانه‌ها بررسی کرد (پوسنر، ۱۳۹۰: ۲۹۴). در ادامه لوتمان با تأثیر از باختین، بنیان‌گذار مکتب نشانه‌شناسی تارتو^{۱۱} شناخته شد و با ارائه مفاهیم و الگوهایی بر پایه شیوه فرمالیست‌ها در این مکتب، به روش‌های ساختارگرایانه نیز کمک کرد (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۲۸). در نشانه‌شناسی فرهنگی، هر متن به عنوان یک فرهنگ قابل تأویل و تحلیل است. الگوهای نشانه‌شناسی فرهنگی با بررسی دوگان‌های مطرح شده از سوی لوتمان، چندصدایی فرهنگ را در متن تحلیل می‌کند (تورپ، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

اشراف به بافتارهای فرهنگی با توجه به دامنه ملی و محلی آن، در بررسی متون راهگشا خواهد بود. بررسی بن‌مایه‌های فرهنگی، آیین و دین، اسطوره‌ها و نیز بازتاب نظام‌های الگوساز ثانویه در متون ادبی، می‌تواند پذیرش یا طرد مؤلفه‌های فرهنگی را در این متون نشان دهد (کوش، ۱۳۹۶: ۱۴۲). در همین راستا، نعمتی و دزفولیان نشان می‌دهند که پیوند باورهای آیینی با توسعه گردشگری فرهنگی، نظامی پویا برای حفظ هویت ایرانی ایجاد می‌کند؛ رویکردی که با خوانش نشانه‌ای متون ادبی هم‌خوانی دارد (نعمتی و دزفولیان، ۱۴۰۴). شعر شفيعی کدکنی، به‌عنوان متنی ادبی و فرهنگی، بستری مناسب برای نشانه‌شناسی فرهنگی فراهم می‌آورد؛ زیرا از طریق آن می‌توان اجزای فرهنگ ایران معاصر را شناسایی و تحلیل کرد. از منظر لوتمان نیز، متن شعر سازوکاری رمزگذاری شده و درهم‌تنیده است (مکاریک، ۱۳۹۸: ۳۳۰). در تأیید این دیدگاه، رضائی تأکید می‌کند که تقابل عناصر فرهنگی حاشیه‌ای با نظام مرکزی در تاریخ ایران، به آشوب اجتماعی و فروپاشی نظم قدیم می‌انجامد؛ سازوکاری هم‌راستا با الگوی نظم و آشوب لوتمان در سپهر نشانه‌ای شعر (رضائی، ۱۴۰۳). از این‌رو، خوانش متون ادبی فارسی راهی مؤثر برای پی‌جویی رگه‌های فرهنگ ایرانی است. پژوهش پیش‌رو می‌کوشد اشعار شفيعی کدکنی را بر اساس الگوی نظم و آشوب در چارچوب نشانه‌شناسی فرهنگی بررسی کند.

1. Makarik

2. John Poinot (1589-1644)

3. 1632

4. John Locke (1632-1740)

5. 1960

6. Ferdinand de Saussure (1857-1913)

7. Charles Sanders Peirce (1839-1914)

8. Juri Lotman

9. Semiotics Cultural

10. Cassirer Ernst

11. Tartu-Moscow Semiotic School

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱-۱-۱. الگوی نظم و آشوب در سپهر نشانه‌ای شعر شفیعی کدکنی چگونه بازنمایی می‌شود و چه رمزگان‌های فرهنگی و نافرنگی در آن نقش دارند؟
- ۱-۱-۲. مفهوم مرکز و حاشیه در نشانه‌شناسی فرهنگی چگونه مرزبندی‌های فرهنگی و پادفرهنگی را در شعر شفیعی کدکنی ترسیم می‌کند؟
- ۱-۱-۳. تعامل رمزگان‌های فرهنگی و پادفرهنگی در شعر شفیعی کدکنی، چگونه به نظم نوین یا آشوب درونی منجر می‌شود؟

۲-۱. فرضیه‌های پژوهش

- ۱-۲-۱. الگوی نظم و آشوب در شعر شفیعی کدکنی از طریق تقابل رمزگان‌های فرهنگی (شعر، طبیعت، سنت) و نافرنگی (نادانی، مرگ) بازنمایی می‌شود و رمزگان‌های فرهنگی نظم را حفظ نموده، نافرنگی آشوب ایجاد می‌کند.
- ۲-۲-۱. مفهوم مرکز و حاشیه در شعر شفیعی کدکنی، مرزبندی‌های فرهنگی و پادفرهنگی (مدرنیته، خداوند) را تقویت می‌کند. رمزگان‌های فرهنگی به ثبات نظم کمک کرده، رمزگان‌های پادفرهنگی سبب ایجاد آشوب می‌شوند.
- ۳-۲-۱. تعامل رمزگان‌های فرهنگی و پادفرهنگی در شعر شفیعی کدکنی، اغلب نظم نوین ایجاد می‌کند؛ اما رویکرد تقابلی (مانند مدرنیته) می‌تواند آشوب درونی به دنبال داشته باشد.

پیشینه و روش تحقیق

پیشینه مطالعات نشانه‌شناسی فرهنگی عمدتاً به متون کلاسیک یا آثار داستانی معاصر محدود بوده و شعر معاصر کمتر بررسی شده است. پژوهش‌های مرتبط عبارتند از: «دورهٔ پساآپارتاید و بازتعریف "دیگری" در رمان پیکاپ» (درزی‌نژاد، ۱۳۹۲)؛ «تقابل خود و دیگری در رمان مهاجرت دهه شصت و هفتاد» (عاملی رضایی، ۱۳۹۳)؛ «بازنمایی خود و دیگری در رمان‌های تنگسیر، سووشون و همسایه‌ها» (آقاابراهیمی و ساسانی و سجودی، ۱۳۹۸)؛ «تحلیل نفثه‌المصدور از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی» (خدادادیان و اسداللهی، ۱۳۹۸)؛ «رابطهٔ خود و دیگری در نمایشنامهٔ جعفرخان از فرنگ آمده» (باقری و دیگران، ۱۳۹۸)؛ «تحلیل گناهکاری جمشید در آیین زرتشت» (تابش و شفیعیون، ۱۳۹۹)؛ «رابطهٔ خود و دیگری در زندگی‌نامهٔ سیمون دوبوآر» (تید و کاظمی یزدی، ۱۴۰۰)؛ «نقد نشانه‌شناختی کارکرد آشوب در نظم در گلستان سعدی» (طایفی و سهرابی، ۱۴۰۰)؛ «تحلیل سرگذشت بهرام چوبین در شاهنامه» (بهاری سقالکسری و محمدی، ۱۴۰۱)؛ «تحلیل تطبیقی آشوب و نظم در رمان‌های چاه بابل و واحهٔ غروب» (بیگزاده و دیگران، ۱۴۰۲)؛ «تحلیل تطبیقی خود و دیگری در سگ ولگرد و تیمبوکتو» (ضیاءالدینی دشتخاکی و فخر شفائی، ۱۴۰۲).

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که این مطالعات عمدتاً به آثار داستانی یا متون کلاسیک پرداخته و الگوی نظم و آشوب یا خود و دیگری را بررسی کرده‌اند و پژوهش‌هایی چون تحلیل خود و دیگری اغلب منحصر در آثار داستانی معاصر است. همچنین بررسی الگوی آشوب و نظم منحصر در متون کلاسیک یا متون غیر شعری معاصر است؛ اما به شعر شفیعی کدکنی یا تحلیل نشانه‌شناختی الگوی نظم و آشوب در آثار او توجهی نشده است، که این خلأ، نوآوری این پژوهش را برجسته می‌کند. پژوهش حاضر با تمرکز بر رمزگان‌های فرهنگی و پادفرهنگی در شعر شفیعی کدکنی، نیز تمرکز بر مرزبندی فرهنگی بر اساس دوگانهٔ مرکز و حاشیه، خلأ تحلیل نشانه‌شناختی فرهنگی شعر معاصر را پر کرده و الگویی نوین برای خوانش متون

مقاله پژوهشی

شعر معاصر ارائه می‌دهد که پیش از این انجام نشده است. این مطالعه با روش کیفی-کمی و توصیفی-تحلیلی، نیز مبتنی بر چارچوب نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان، به بررسی نمونه‌های شعری از مجموعه‌های موردنظر می‌پردازد. نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای نظری لوتمان، شامل تنوع نشانه‌های فرهنگی و بسامد تم‌های معنایی، انجام شد. نمونه‌ها پس از تحلیل اولیه کل آثار شاعر، برای پوشش الگوهای اصلی نشانه‌ای و انطباق با مدل لوتمان انتخاب شدند. این روش، که در پژوهش‌های نشانه‌شناسی ادبی متداول است؛ دقت تحلیل را تضمین می‌کند.

بحث

۱-۲. مبانی نظری

۲-۲. نشانه و نشانه‌شناسی

ساختارگرایی، صورت تغییریافته نظریه فرمالیسم روسی به شمار می‌آید که بر اساس آراء فردینان دو سوسور شکل گرفت و این نظر رفته‌رفته به نظریه پساساختارگرایی منجر شد. این جریان‌ها نقدهای رمزگان‌مدارند که متون را بر اساس دال‌ها و مدلول‌ها تحلیل می‌کنند. به بیان دیگر در نقد رمزگان‌محور، نشانه‌ها به مثابه ابزاری جهت کاوش عمیق‌تری در ساختار و معنای متن به کار گرفته می‌شوند تا با این رویکرد، به درک شفاف‌تری از بخش‌های پنهان معنایی آثار ادبی و غیر ادبی رسید.

به گفته صفوی، نشانه‌شناسی^۱ دانشی میان‌رشته‌ای است که برای تحلیل حوزه‌های مختلف به کار می‌رود و آن را می‌توان در آراء اندیشمندان متقدم نیز بازایی کرد؛ به طوری که نگرش فلسفی به مسائل میان اندیشمندان یونان باستان، در گرو شناخت نشانه و مسأله دلالت تلقی می‌شده است (صفوی، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۴). اندیشمندان دوران باستان سعی در شناختن نشانه‌ها و دلالت آن‌ها داشته‌اند. ارسطو در کتاب بوطیقا، درباره نشانه، نظریه‌ای را طرح کرده است. آگوستین نیز به عنوان یک اندیشمند رواقی، در تلاش بود تا در بحث "لوگوس" به بررسی نشانه‌ها و نظریه آن بپردازد (مکاریک، ۱۳۹۸: ۳۲۶). نخستین باری که واژه «semiotics» به معنای نشانه‌شناسی به کار رفت، در دوره نوزایی است؛ هنری استابز^۲ این واژه را برای علایم بیماری در علم پزشکی به کار برد (صفوی، ۱۳۹۷: ۵۹).

به گفته جمعی از نویسندگان، نشانه و نشانه‌شناسی با آراء سوسور و پیرس شکل گرفت و برای نقد ساختارهای نشان‌مند به کار می‌رود. سوسور، زبان‌شناس سوئیسی، زبان را نظامی منسجم و اجزای آن را در ارتباط با یکدیگر می‌دانست. پس از مرگ وی، "درس‌هایی درباره زبان‌شناسی عمومی" او به دست شاگردانش نخست در پاریس (۱۹۱۶) و سپس ترجمه انگلیسی آن در نیویوک (۱۹۵۹) انتشار یافت. اصطلاح semiology را سوسور در بیان معنایی که منطق‌دان‌های سده پیش آن را semiotics می‌خواندند، به کار برد. پس از مدتی، آثار فلسفی پیرس، عمل‌گرا و منطق‌دان آمریکایی، مشتمل بر مجموعه‌ای ۲۴ جلدی فراهم آمد که تبیین او از نشانه و نشانه‌شناسی نیز به عنوان یکی دیگر از خاستگاه‌های نشانه‌شناسی سده بیستم به حساب می‌آید (همرستینگل، ۱۴۰۲: ۴۰؛ مکاریک، ۱۳۹۸: ۳۲۸-۳۳۰؛ احمدی، ۱۴۰۰: ۱۲).

1. Semiotics

2. Henry Stubbes (1632-1676)

البته ریشه‌های این علم را در نظریات پیشینیان نیز می‌توان بازیافت؛ به طوری که نگاه فیلسوفانه به مسائل میان اندیشمندان یونان باستان، در گرو شناخت نشانه و مسأله دلالت تلقی می‌شده است (صفوی، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۴). اصطلاح این علم در آغاز، از علوم پزشکی که علایم بیماری را بررسی می‌کرد، برگرفته شده که رفته‌رفته در میان علوم دیگری چون زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و نیز علوم ادبی رواج یافت (مدرسی، ۱۳۹۵: ۴۵۰). در نشانه‌شناسی عصر حاضر، نشانه‌ها را به شکل جداگانه مطالعه نمی‌کنند؛ بلکه به بررسی آن‌ها به عنوان جزء کوچک‌تری از یک ساختار و نظام‌نشانه‌ای می‌پردازند (چندلر، ۱۳۹۷: ۲۱). برای تبیین بهتر این نکته، نیاز است تا تعریفی از نشانه، نشانه‌شناسی و الگوهای نشانه‌ای سوسوری و پیرسی ارائه شود.

به گفته نجفی دلالت به هر چیزی به غیر خود، نشانه است (نجفی، ۱۳۵۸: ۴). تعریف نشانه‌شناسی بر اساس موضوع، آن است که نشانه‌شناسی علم نشانه‌ها یا نظام‌های نشانه‌ای است که این نظام نشانه‌ای می‌تواند همه چیز را در برگیرد؛ با این توضیح که هر آن‌چه وجود دارد، به چیزی دلالت می‌کند و حتی غیر نشانه نیز نوعی نشانه به‌شمار می‌آید؛ پس نشانه‌شناسی را می‌توان دانشی دانست که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای می‌پردازد (گرنی، ۱۴۰۱: ۱۹-۲۰).

۲-۳. لوتمان و نشانه‌شناسی فرهنگی

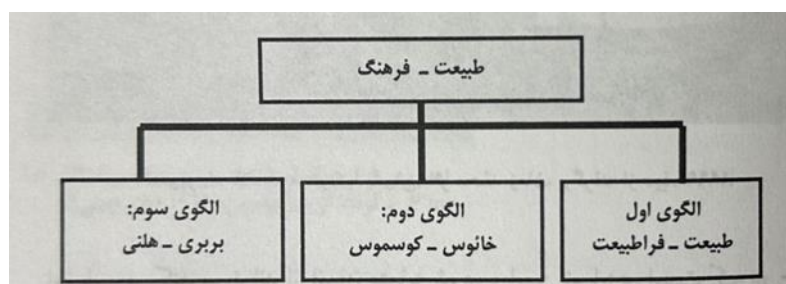
دانش نشانه‌شناسی پس از سوسور و پیرس گسترش یافت و سبب ایجاد رویکردهایی میان‌رشته‌ای در علوم مختلف شد. به گفته پوسنر، فرهنگ در نظرگاه کاسیرر، با صورت‌های نمادی جامعه شکل می‌گیرد (پوسنر، ۱۳۹۰: ۲۹۴). در ادامه لوتمان با بررسی آراء صورت‌گرایان روس و پراگ، مکتب تارتو را در سال ۱۹۶۴ تأسیس کرد و در تلاش بود رویکرد نشانه‌شناختی را در سایر علوم نیز به‌کار ببندد. وی در سال ۱۹۷۰ با تمرکز بر ادبیات، اسطوره، دین و فرهنگ را به عنوان نظام‌های الگوساز مطرح کرد و مطالعات خود را پیش برد و نشانه‌شناسی فرهنگ به عنوان موضوع اصلی مطالعات او نام گرفت (مکاریک، ۱۳۹۸: ۲۹۶). در واقع می‌توان نشانه‌شناسی فرهنگی را به عنوان دانشی در جهت بررسی نظام‌های نشانه‌ای دخیل در فرهنگ تعریف کرد (توروپ، ۱۳۹۰: ۲۷).

به گفته لیونگبرگ، نظام‌های الگوساز بخشی ساختارمند از اجزاء و قواعدی است که مانند حوزه‌های دانش به‌کارگرفته می‌شود. در نظر لوتمان زبان به عنوان نظام الگوساز اولیه و اسطوره، فرهنگ، هنر به عنوان نظام الگوساز ثانویه در نظر گرفته می‌شود (لیونگبرگ، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۲۷). نظام‌های الگوساز ثانویه به اجزاء کوچک‌تری مانند اسطوره‌ها، فرهنگ عامه، آیین‌ها و سنت‌ها، ادبیات و هنرهای زیبا تقسیم می‌شود که بر اساس زبان شکل گرفته، به عنوان نظام‌های نشانه‌ای درگیر در فرهنگ شناخته می‌شوند. از سویی نیز، زبان طبیعی به عنوان نظام اولیه شناخته می‌شود (سمنکو، ۱۳۹۶: ۳۷-۳۹). در نظرگاه اندیشمندان نشانه‌شناس فرهنگی، هنر نیز از فرهنگ تأثیر گرفته است. در واقع نشان‌شناسی فرهنگی به بررسی سازوکار دوسویه و نقش‌مدار نظام‌های نشانه‌ای مختلف می‌پردازد (مکاریک، ۱۳۹۸: ۲۹۸). با این دیدگاه لوتمان، فرهنگ حاوی داده‌هایی قابل تبادل و انتقال است (لاروسو، ۱۳۹۸: ۷۳). بدین ترتیب، ساختار فرهنگ، نظام‌مند و همه‌گیر است که به واسطه رمزگان‌ها در متون بازنمایی می‌شود (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۳۰).



شکل ۱-۱. متن به مثابه افشرد سپهر نشان‌های (سمنکو، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

در دیدگاه لوتمان، متن تولید شده در هر فرهنگ، باز نمودی از عناصر آن فرهنگ است (لاروسو، ۱۳۹۸: ۹۷)؛ بدین ترتیب، نشانه‌شناسی فرهنگی از نظر لوتمان، دانشی است که با بررسی الگوهای نظام‌ساز فرهنگ به بررسی عناصر، الگوهای ارتباط و تعامل یا تقابل دوسویه میان فرهنگ‌ها می‌انجامد (سنسون، ۱۳۹۰: ۱۵۵). به عقیده لوتمان، ناهم‌سویی و تقابل فرهنگ‌ها به مکالمه یا مناظره فرهنگی منجر می‌شود. از نظر او، اصل گفت‌وگو محور فرهنگ‌ها سبب تضمین موجودیت آن‌هاست (سمنکو، ۱۳۹۶: ۲۸). با این اوصاف، می‌توان تفاوت میان لوتمان با سوسور و یاکوبسن را در این مورد لحاظ کرد. به بیان دیگر، تفاوت میان فرهنگ عامل اصلی ارتباط، و انتقال مفاهیم و در نهایت پویایی فرهنگی است؛ اما در طرف دیگر از نظر سوسور، شباهت و قرارداد میان رمزگان‌ها به عنوان گذرگاه پیام معرفی می‌شوند (سمنکو، ۱۳۹۶: ۲۸). در ادامه الگوی تعدیل شده لوتمان برای مطالعات نشانه‌شناختی فرهنگی، از سوی پاکتچی ارائه شده که برای بررسی و خوانش متون با این رویکرد مؤثر است.



شکل ۲-۱. الگوی تعدیل شده ابرالگوی لوتمان (پاکتچی، ۱۳۸۳: ۱۸۵)

ابرالگوی لوتمان با تقابل و تفاوت فرهنگ‌ها، به سه الگوی دیگر دسته‌بندی می‌شود. به شرح گروهی از نویسندگان، الگوی نخست به عنوان الگوی طبیعت- فراطبیعت شناخته می‌شود. در تقسیم‌بندی نخست، طبیعت و فراطبیعت به سه گروه دسته‌بندی می‌شوند: ۱. فرهنگ ۲. پادفرهنگ ۳. نافرهنگ. مورد اول و دوم را می‌توان جهان فراطبیعت فرهنگ‌ها نام‌گذاری کرد و مورد آخر به عنوان طبیعت شناخته می‌شود (پاکتچی، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۸۵). نافرهنگ به عناصری اطلاق می‌شود که خارج از فضای فرهنگی قرار دارند، به صورت غیاب یا نفی فرهنگ تعریف می‌شوند و نظم درون فرهنگی را به آشوب بدل می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). هر جامعه تاریخی، عناصر درون فرهنگی را از جهان خارج جدا می‌کند و آن‌چه را بیرون از این فضاست، «بی‌فرهنگ»، «بی‌تمدن» یا «نافرهنگ» می‌نامد (پوسنر، ۱۳۹۰: ۳۳۸). در مقابل، پادفرهنگ به عنوان «دیگری»

مقاله پژوهشی

در تقابل با فرهنگ خودی شناخته می‌شود که نظامی مستقل دارد و خارج از فضای فرهنگ خودی معنا می‌یابد. به بیان دیگر، اعضای یک فرهنگ، پادفرهنگ را به عنوان فرهنگی متفاوت اما آشنا می‌شناسند که برخلاف عناصر درونی فرهنگ خودی است (Posner, 2004: 141).

در تقسیم‌بندی الگوی دوم، خائوس به عنوان آشوب معرفی گردیده، کوسموس به عنوان نظم تعریف می‌شود. الگوی سوم نیز بربری به عنوان دیگری و هلنی به مثابه خود شناخته می‌شوند. در واقع هر سه الگو با تقابل‌های دوگانی به دست آمده، می‌توان هر کدام را در دسته‌بندی‌هایی قرار داد. به سخن دیگر؛ عرصه نافرهنگ با آشوب و دیگری هم‌خوانی دارد. از طرفی فرهنگ و پادفرهنگ با نظم و خود در تناسب است (پاکتچی، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۸۵؛ لوتمان و اوسپنسکی، ۱۳۹۰: ۵۷).

در نهایت به گفته سرفراز، الگوی طبیعت-فراطبیعت را می‌توان به فرهنگ جهانی بازگرداند، الگوی خائوس-کوسموس با هر دو کاربرد فرهنگ سازگاری دارد و الگوی بربری-هلنی، تنها با فرهنگ بومی متناسب است و پایه نظریه لوتمان در تبیین روابط بین فرهنگ‌ها است (سرفراز، ۱۳۹۳: ۸۹).

۲-۳-۱. الگوی نظم و آشوب

کوسموس (نظم) در تقابل با خائوس (آشوب) یکی از الگوهای تعدیل شده لوتمان است که به تفاوت میان نظم و آشوب می‌پردازد. نظم با سامان‌دهی فرهنگ خود، در تلاش است تا از بی‌نظمی و آشوبی که ممکن است از نافرهنگ یا پادفرهنگ دیگری رخ بدهد، جلوگیری کند. در واقع لوتمان با در نظر گرفتن اصل تقابل‌های دوگانه، به معناسازی ابرالگوی طبیعت و فرهنگ می‌پردازد و در ادامه نیز بر همین اساس، تقابل آشوب و نظم را که از گذشته در فلسفه غرب و شرق مورد توجه بوده، مطرح می‌کند (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۹۰، ۹۶).

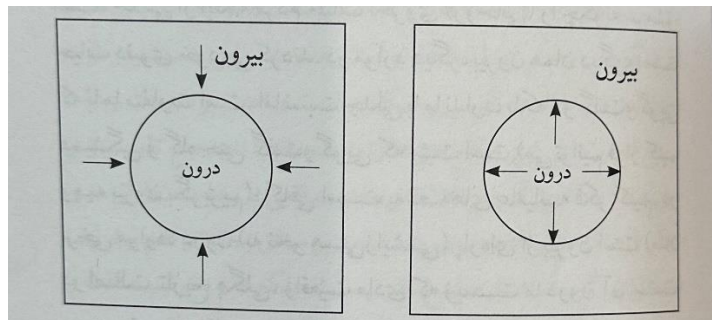
به بیان دیگر، نخستین تقابل دوگانه‌ای که می‌توان از جزئیات یک فرهنگ نام برد، عبارت‌اند از فرهنگ‌های خائوتیک و آشوبناک در مقابل فرهنگ‌های منظم و بسمان. هر فرهنگ گونه آشوبناک متناظری دارد و از پیدایش بشری و فرهنگی شکل می‌گیرد (لاروسو، ۱۳۹۸: ۸۶-۸۷). «بنابراین از جایگاه یک مشاهده‌گر بیرونی، باز نمود فرهنگ نه به صورت مکانیسمی ایستا و همزمان متعادل، بلکه به شکل یک سیستم دوگان است به نحوی که عملکرد این سیستم در هیئت تهاجم نظم و سامان به سپهر بی‌نظمی و آشوب است و بالعکس، در قالب هجوم امر نابسامان و آشوبناک به درون سپهر نظم و ترتیب محقق می‌شود. در مقاطع گوناگون رشد و توسعه تاریخی هر کدام از این جهت‌گیری‌ها ممکن است بر دیگری غلبه کند. ورود و مداخله به درون سپهر فرهنگی متن‌ها که منشاء بیرونی دارد، اغلب به شکل عامل محرک قدرتمندی برای رشد و توسعه فرهنگی تبدیل می‌شود» (Lot man, 1975: 60، به نقل از سمینکو، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۴).

بیرون	درون
مردم بیگانه	مردم من / ما
عرفی	مقدس
بربرسیم	فرهنگ
عوام	خواص
آشوب	نظم

شکل ۱-۳. تفاوت درون و بیرون (لاروسو، ۱۳۹۸: ۸۷).

۱-۳-۲. مرکز و حاشیه

فرهنگ به عنوان یک هسته مرکزی و قلمرو نرم (norm) یا هنجار به حساب می‌آید. نفوذ به سپهر نشانه‌ای فرهنگ مرکز و تقسیم‌بندی مرکز و حاشیه از طریق مرزها (boundary) امکان‌پذیر است. توضیح این‌که نزد بومی‌های یک فرهنگ، خصیصه‌های هسته مرکزی به دلیل طبیعی بودن هنجارها، چندان واضح نیست؛ اما در مواجهه با فرهنگ دیگری (پادفرهنگ) برای بومی‌های فرهنگ، حالتی مانند آشنائیدایی دارد؛ چرا که وقتی با فرهنگ دیگری و بیگانه مواجه می‌شوند، عملاً هنجار و نرم آن فرهنگ دیگر را درک نمی‌کنند؛ بلکه به انحراف از نرم‌های فرهنگ مرکزی خود رجوع می‌کنند (سمنکو، ۱۳۹۶: ۵۸-۵۹).

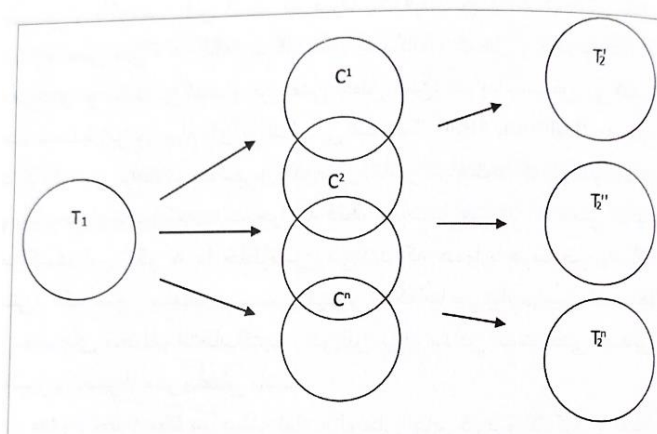


شکل ۱-۴. پویایی فضایی در جهان‌ها فرهنگی (لاروسو، ۱۳۹۸: ۸۷).

مرکز جایی است که متون فرهنگی تولید می‌شوند؛ در حالی که حاشیه با بی‌نظمی و آشوب، کانون فرهنگی را تهدید می‌کند (لیونگر، ۱۳۹۰: ۱۲۷). «سیستم کلی حفظ و تبادل تجربه بشری به مثابه یک سیستم هم‌مرکز ساخته می‌شود که در مرکز آشکارترین و منطقی‌ترین ساختارها جای دارند، یعنی ساخت‌مندترینشان. نزدیک‌تر به پیرامون اشکالی یافت می‌شود که ساخت‌مندیشان چندان آشکار نیست یا اثبات نشده است، اما به دلیل داخل بودن در موقعیت‌های کلی نشانه‌ای-ارتباطی مثل ساختارها کارکرد دارند» (Lotman and Uspenskii, ۱۹۷۸: ۲۱۳). به نقل از سمنکو، ۱۳۹۶: ۵۵). از سوی دیگر لازم است مرزهایی تعریف شوند که فضا را به دو بخش درون و بیرون (مرکز و حاشیه) تقسیم کند تا فضای خود را فراتر از مرزها و راه‌های نفوذ نشان دهد. از طرفی این امر می‌تواند از درون به بیرون یا از بیرون به درون باشد (لاروسو، ۱۳۹۸: ۸۵). از طرفی، فرهنگ مرکزی برای خود هسته کانونی تعریف می‌کند و در آن هسته رمزان‌های کانونی تلاش می‌کنند در کشمکش با حاشیه و پیرامون، عناصر پادفرهنگی را نادیده بگیرند و انکار کنند یا به غیاب برانند. این فرهنگ مرکزی می‌کوشد خود را به عنوان معیار و مشروع و آن دیگری به حاشیه رانده شده را نامشروع و ناخالص جلوه دهد (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). این مسأله نیز با الگوهای اصلی آراء لوتمان معنادار می‌شود. زمانی که بر خلاف ارتباط سوسوری که عقیده داشت شباهت‌های درون یک رابطه باعث تداعی دال‌ها به مدلول است، در این زمینه لوتمان اساس تعیین‌کننده کنش ارتباطی را اصل عدم تقارن می‌داند. بدین ترتیب، طرح‌واره نالین‌همانی و نایکسانی، را مطرح می‌کند که نه تنها فهم، بلکه سوء فهم و عدم

مقاله پژوهشی

دریافت، شرط ضروری ارتباط است؛ بنابراین تفاوت اساسی الگوی ارتباطی لوتمان با الگوهای ارتباطی دیگران این است که صرفاً یک رمزگان واحد در حکم کانال ارتباط عمل نمی‌کند؛ بلکه رمزگان‌های چندگانه متداخل و تودرتوست که متن‌های نو تولید می‌کنند (سمنکو، ۱۳۹۶: ۲۷-۲۸). به سخن دیگر، حاشیه، محل خلاقیت نوآورانه است؛ چرا که در واقع تنش میان مرکز و حاشیه به ایجاد معنا فرهنگ جدید و پویا و در نهایت به تغییر مرکز موجود می‌انجامد (لیونگبرگ، ۱۳۹۰: ۱۲۷).



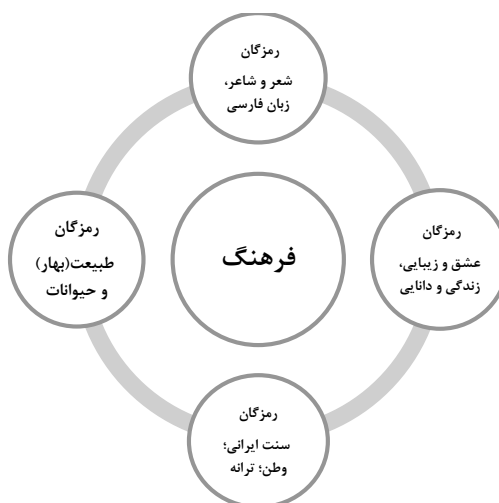
شکل ۱-۵. کارکرد خلاقانه متن (Lotman, ۱۹۹۰: ۱۵، به نقل از سمنکو، ۱۳۹۶: ۲۷).

۳. تحلیل داده‌ها

۳-۱. بازنمایی الگوی نظم و آشوب در شعر شفیعی کدکنی

۳-۱-۱. کاربرد مفهوم «مرکز و حاشیه» در ترسیم مرزبندی فرهنگ و ایجاد نظم درونی

نظم در الگوی نظم و آشوب به حوزه درونی و فرهنگ مرتبط است و رمزگان‌های فرهنگی شعر شفیعی کدکنی را دربرمی‌گیرد. کارکرد مرکز و حاشیه نیز در تعریف مرزبندی فرهنگ، پادفرهنگ و نافرهنگ نقش به‌سزایی دارد. این تقابل دوگانه سبب به‌وجودآمدن کانونی مرکزی می‌شود که نظم درونی را ایجاد می‌کند. از طرفی حاشیه با تمایل به آشوب، از طرف مرکز رانده می‌شود. این تقابل در الگوی فرهنگ-نافرهنگ با گرایش‌های مرکز و حاشیه، مرزبندی رمزگان‌های فرهنگ، نافرهنگ و پادفرهنگ را شکل می‌دهد:



با توجه به بررسی‌های انجام شده در الگوی فرهنگ-طبیعت، رمزگان‌های اصلی بخش فرهنگ در شکل بالا به‌دست آمد. با توجه به داده‌های به‌دست آمده از رمزگان‌های اصلی بخش فرهنگ، نیز با توجه به کارکرد مفهوم مرکز و حاشیه می‌توان مرزبندی فرهنگ به واسطه رمزگان‌های اصلی این بخش را تعیین کرد؛ بدین ترتیب به نظر می‌رسد چهار رمزگان ۱. شعر و شاعر، زبان فارسی ۲. طبیعت (بهار) و حیوانات ۳. سنت ایرانی، وطن، ترانه ۴. عشق و زیبایی، زندگی و دانایی؛ هسته اصلی بخش فرهنگ را شکل می‌دهد.

رمزگان‌های اصلی با ایجاد مرزبندی در مفهوم مرکز و حاشیه، سپهر فرهنگی را در تقابل با رمزگان‌های نافرنگی تعریف می‌کنند. در واقع می‌توان رمزگان‌های نافرنگی را در تقابل با این عناصر مرزبندی خارج از مرکز فرهنگی دانست؛ بنابراین مرکز در شعر شفيعی کدکنی با میل به درون و حضور این رمزگان‌ها، معنا پیدا می‌کند. رمزگان‌های فرعی شعر شفيعی کدکنی نیز با توجه به رمزگان‌های اصلی، لایه‌های دیگر مرکز و هسته را شکل می‌دهد. در واقع می‌توان با ارائه رمزگان‌های فرعی فرهنگ، حلقه دیگر مرزهای فرهنگی را ترسیم کرد. رمزگان‌های فرعی به‌دست آمده از عناصر فرهنگ با تقسیم‌بندی رمزگان‌های اصلی فهرست شده است. رمزگان‌های فرعی با توجه به نمونه‌های شعری تحلیل شده است و در بخش سازوکار ایجاد نظم و آشوب، بررسی خواهد شد. رمزگان‌های فرعی فرهنگی در جدول ارائه شده‌اند.

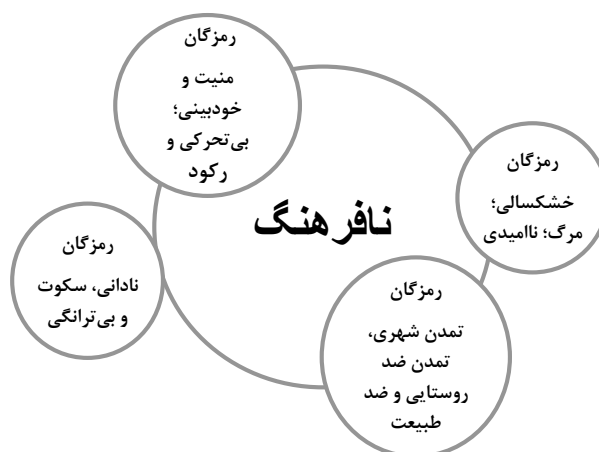
رمزگان‌های اصلی	رمزگان‌های فرعی
شعر و شاعر، زبان فارسی	شاعر به‌عنوان مخاطب، نقش‌رہایی بخش شعر، واسطه تربیتی، تفاخر به زبان فارسی
طبیعت (بهار) و حیوانات	منبع الهام، هم‌بستگی با هویت انسانی، تأثیر دوسویه، حمایت در بحران، زنجره، پرنده، صبح و روستا

رمزگان‌های اصلی	رمزگان‌های فرعی
سنت ایرانی، وطن، ترانه	جغرافیای ایران، تلمیحات ادبی، فرهنگ فرازمانی، جهانی شدن، هنرهای کلامی، ایران‌محوری، پاسداری از ارزش‌ها، گفت‌وگوی فرهنگی
عشق و زیبایی، زندگی و دانایی	احساسات عاشقانه، هویت‌سازی، تعامل عرفانی-خردورزانه، فراتاریخی بودن، رستگاری جهان

با توجه به رمزگان‌های فرعی به دست آمده، می‌توان هر کدام از این موارد را بخشی از مرزبندی فرهنگ دانست. به سخن دیگر، هسته و مرکز فرهنگ شعری شفيعی کدکني را رمزگان‌های اصلی شکل می‌دهد و رمزگان‌های فرعی به دست آمده، با توجه به مرکز و هسته فرهنگی؛ مرزهای سپهر فرهنگی را تعیین می‌کند.

۳-۱-۲. کاربست مفهوم «مرکز و حاشیه» در ترسیم مرزبندی نافرنگی و ایجاد آشوب بیرونی

آشوب در الگوی خائوس و کوسموس، بر خلاف نظم (درون و مرکز)، به برون و حاشیه مرتبط است و فضای نافرنگی را شکل می‌دهد. با توجه به تحلیل الگوی فرهنگ-طبیعت، و مشخص شدن فضای فرهنگی به واسطه رمزگان‌های اصلی و فرعی فرهنگ؛ در واقع می‌توان چنین بیان کرد که فضای نافرنگی، فضای آشوبناکی است که در تقابل با فرهنگ شکل گرفته است. به سخن دیگر، رمزگان‌های اصلی فضای نافرنگی، در تقابل با رمزگان‌های اصلی فرهنگ شکل گرفته است. در ادامه رمزگان‌های فرعی و اصلی نافرنگی فهرست خواهد شد.



رمزگان‌های به دست آمده نشان می‌دهد که نافرنگ، به واسطه رمزگان‌های اصلی فرهنگ ایجاد شده است. بدین سبب، می‌توان هر کدام از رمزگان‌های اصلی فرهنگی را در برابر رمزگان‌های اصلی نافرنگ قرار داد.

مقاله پژوهشی

رمزگان‌های اصلی نافرنگ	رمزگان‌های اصلی فرهنگ
۱. رمزگان نادانی، سکوت و بی‌ترانگی	۱. رمزگان شعر و شاعر؛ زبان فارسی
۲. رمزگان منیت و خودبینی؛ بی‌حرکی و رکود	۲. رمزگان سنت ایرانی؛ وطن؛ ترانه
۳. رمزگان تمدن شهری؛ تمدن ضد روستایی و ضد طبیعت	۳. رمزگان طبیعت (بهار)؛ حیوانات
۴. رمزگان خشک‌سالی؛ مرگ؛ ناامیدی	۴. رمزگان عشق و زیبایی؛ زندگی و دانایی

چنان‌که مشاهده می‌شود؛ رمزگان‌های بررسی شده را می‌توان تا حدود قابل توجهی در تقابل با یکدیگر قرارداد. به سخن دیگر، چنان‌که گفته شد، تقابل با رمزگان‌های فرهنگی سبب ایجاد رمزگان‌های نافرنگی می‌شود. تقابل عناصر فرهنگ و نافرنگ، سبب ایجاد دو فضای آشوب و نظم می‌شود. به زبانی دیگر، نظم در سپهر نشانه‌ای شعر شفيعی کدکني زمانی ایجاد می‌شود که رمزگان‌های چهارگانه اصلی فرهنگ حضور داشته باشند و با توجه به کاربست مفهوم مرکز و حاشیه، فرهنگ و رمزگان‌های آن با گرایش به مرکز و ایجاد نظم درونی، فضای فرهنگی خود را حفظ می‌کند. بدین سبب فضای فرهنگ، فضای نظم است و نیز می‌کوشد در مقابله با رمزگان‌های نافرنگ، نظم خود را حفظ کند. نافرنگ سبب به هم ریختن نظم درونی و ایجاد آشوب در فضای فرهنگی می‌شود؛ بنابراین نافرنگ نیز به سبب حضور رمزگان‌های مخالف فرهنگ، موجب گرایش به بیرون و ایجاد آشوب می‌شود؛ با این حال، می‌توان هر کدام از رمزگان‌های نافرنگی را به شکلی جداگانه در برابر یکدیگر قرار داد. برای مثال، تقابل میان رمزگان فرهنگ «دانایی» با رمزگان نافرنگی «نادانی» قرار می‌گیرد. می‌توان رمزگان‌های فرعی بخش نافرنگ را که سبب ایجاد آشوب می‌شوند؛ با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده در بخش پیشین فهرست کرد. رمزگان‌های فرعی نافرنگی در جدول ارائه شده‌اند.

رمزگان‌های اصلی نافرنگی	رمزگان‌های فرعی
نادانی، سکوت و بی‌ترانگی	کج‌اندیشی، چندصدایی، تاریکی، اندوه، توقف آواز، کلاغ
منیت و خودبینی، بی‌حرکی و رکود	صبر بی‌نتیجه، خیال، بیهوده‌گویی، ظلم، دورویی، زاغ
تمدن شهری، ضد روستایی و ضد طبیعت	شب و شهر، تبدیل روستا به شهر، قفس، تهران، سیاست

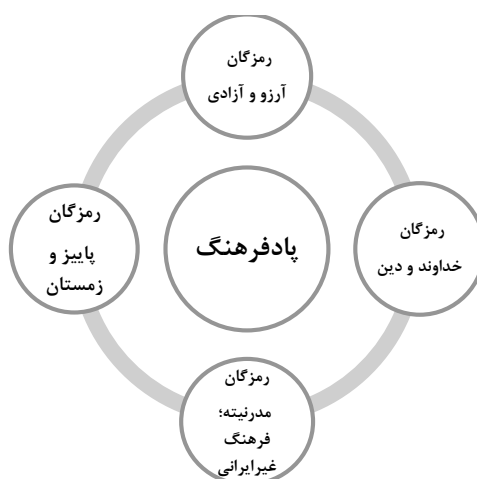
رمزگان های اصلی نافرهنکی	رمزگان های فرعی
خشک سالی، مرگ، ناامیدی	کلاغ، ابر بی حاصل، ناسپاسی، جنگ، بریدن درختان

با بررسی رمزگان های فرعی بخش نافرهنک و با توجه به مفهوم مرکز و حاشیه، می توان رمزگان های اصلی نافرهنکی را مفاهیم پیرامونی و آشوبناک بخش فرهنگ دانست. رمزگان های نافرهنکی در تقابل با مفاهیم فرهنگی ایجاد شده، رودرروی مرکز فرهنگی و نظم درونی آن قرار می گیرد. به سخن دیگر، رمزگان های اصلی نافرهنکی با همراهی نمادها و رمزگان های فرعی خود در تلاش برای از بین بردن فضای مرکزی فرهنگ و ایجاد آشوب در نظم درونی آن هستند. در این بخش، رمزگان های جزئی تر و فرعی نافرهنک بررسی و فهرست شد.

۳-۱-۳. کاربرد مفهوم «مرکز و حاشیه» در ترسیم مرزبندی پادفرهنکی و ایجاد نظم یا آشوب بیرونی

در بخش پیشین نشان داده شد که رمزگان های اصلی و چهارگانه فرهنگ به چه شیوه ای در برابر رمزگان های اصلی نافرهنکی قرار می گیرند و دو مفهوم مرکز و حاشیه را شکل می دهند. چنان که پیش تر گفته شد، مرکز فضای نظم و حاشیه فضای آشوب است که این ترتیب، بیان گر مفهوم تقابل های دوگانه نظری لوتمان است.

در این بخش به مفهوم پادفرهنک و تأثیر رمزگان های اصلی و فرعی پادفرهنکی بر شکل گیری هسته مرکزی آن اشاره خواهد شد. پادفرهنک، به عنوان فرهنگ دیگر، با فرهنگ شفيعی کدکنی رقابت نموده، گاهی آشوب ایجاد می کند؛ اما خود دارای نظم درونی است. در واقع، مرکز پادفرهنکی، نظم دیگری را شکل می دهد و این موضوع ممکن است در تقابل با نظم فرهنگی قرار بگیرد. در ادامه رمزگان های اصلی و فرعی پادفرهنکی که سبب ایجاد نظم درونی برای پادفرهنک و آشوب برای فرهنگ است، فهرست خواهد شد.



بررسی شکل بالا نشان می دهد که رمزگان های اصلی فرهنگ دیگری، سبب ایجاد هسته مرکزی و نظم درونی پادفرهنکی می شود. رمزگان های ۱. مدرنیته؛ فرهنگ غیر ایرانی ۲. خداوند و دین ۳. آرزو و آزادی ۴. پاییز و زمستان؛ همگی

به مثابه پادفرهنگی است و با دو رویکرد تعاملی یا تقابلی در برابر فرهنگ، سبب ایجاد نظم درونی پادفرهنگی می‌شود. توضیح این‌که برخی از رمزگان‌های اصلی پادفرهنگی رویکردی تعاملی با فرهنگ و برخی رویکرد تقابلی با فرهنگ خواهد داشت. این رویکردها و نحوه ایجاد نظم و آشوب فرهنگی را در بخش بعدی می‌توان بررسی کرد. در ادامه می‌توان هر کدام از رمزگان‌های اصلی را با رمزگان‌های فرعی و جزئی‌تر به‌دست آمده فهرست کرد. رمزگان‌های فرعی پادفرهنگی در جدول ارائه شده‌اند:

رمزگان‌های اصلی پادفرهنگی	رمزگان‌های فرعی
مدرنیته و فرهنگ غیر ایرانی	نمادهای مغرب/ مشرق‌زمین، زیست در فرهنگ دیگر، فرم‌های شعری شرقی
خداوند و دین	مناجات، قدرت الهی، تلمیحات قرآنی، یاری‌گیری از خداوند
پاییز و زمستان	ماه‌های زمستانی، برف، خزان، رنگارنگ بودن
آرزو و آزادی	نرسیدن به آرزو، آرزوی آزادی، نیازهای شاعر

بدین ترتیب رمزگان‌های فرعی که به یاری رمزگان‌های اصلی پادفرهنگی را شکل می‌دهند؛ فهرست شد. با توجه به این موضوع، می‌توان اشاره کرد که این چهار رمزگان اصلی، هسته مرکزی و درونی رمزهای پادفرهنگی را شکل می‌دهند. درون پادفرهنگ با این رمزگان‌ها نظام‌مند شده، از حضور عناصر دیگر جلوگیری می‌کند. با این اوصاف، تعامل‌پذیری پادفرهنگ با فرهنگ شفيعی کدکنی نیز، غیر قابل انکار است. به سخن دیگر، می‌توان دو رویکرد تعاملی و تقابلی را برای گفت‌وگوهای میان فرهنگی در نظر گرفت که در ادامه نحوه ایجاد نظم و آشوب با توجه به این گفت‌وگوهای بررسی می‌شوند. تغییر در نظم درونی فرهنگ و تغییر در رویکرد مرکزگرایی آن، در برخی موارد با آشوب از سوی پادفرهنگ ایجاد می‌شود. توضیح این‌که فضای آشوبناک پادفرهنگی در مواقعی که با رویکرد تقابلی از سوی فرهنگ مواجه می‌شود، در نظم درونی فرهنگ نفوذ کرده، سبب ایجاد فضای آشوبناک در مرکز فرهنگ می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان با بررسی و خوانش رمزگان‌های فرعی پادفرهنگی به رویکرد فرهنگ شفيعی کدکنی در برابر رمزگان‌های مختلف فرهنگ دیگری دست یافت. به سخنی دیگر، شیوه تعامل یا تقابل فرهنگ با پادفرهنگ وابسته به نوع رمزگان‌های اصلی و فرعی است؛ به همین دلیل، رمزگان‌ها و بازنمایی واژگان و شبکه‌های معنایی استفاده شده از سوی شاعر، قابل تأمل است. از سویی دیگر، مرزبندی میان مرکز و پیرامون را عناصر و رمزگان‌های درون و برون فرهنگی معین می‌کند. به بیان دیگر، عناصری که با رمزگان‌های معینی در سپهر نشانه‌ای شاعر- خواه خودآگاه و خواه ناخودآگاه- شکل می‌گیرد، در تبیین

مقاله پژوهشی

مرزهای فرضی فرهنگی، پادفرهنگی و نافرهنگی مؤثر است. فرهنگ و پادفرهنگ به صورت منسجم، منظم و دارای مرکزند. در طرف دیگر، نافرهنگ شامل فضای برهم‌ریخته و آشوبناکند.

نحوه ایجاد نظم به دو شیوه ۱. شکل‌گیری نظم نوین در گستره فرهنگ ۲. حفظ نظم قدیم در گستره فرهنگ بررسی می‌شود. شیوه ایجاد آشوب در مرزهای فرهنگی به واسطه ۱. رمزگان‌های نافرهنگ و ۲. رمزگان‌های پادفرهنگ صورت‌بندی می‌شود.

۳-۲-۱. سازوکار ایجاد نظم و آشوب در تعامل با پادفرهنگ

نمونه‌ها نشان‌دهنده آمیختگی نشانه‌های فرهنگی و پادفرهنگی در شعر شفیعی کدکنی با رویکردهای پذیرش یا طرد در تبادیل میان فرهنگی است. توضیح این‌که یکی از دلایل زیر، سبب ایجاد و ترکیب رمزگان‌ها سپهر نشانه‌ای شاعر شده است: الف. تبادل و ترکیب یک یا دوطرفه عناصر فرهنگ با پادفرهنگ ب. حضور ابرالگوی تقابلهای دوگانه

پ. مرزبندی‌های فرضی و ذهنی هر کدام از گستره‌های فرهنگی، پادفرهنگی و نافرهنگی در ذهن شاعر در نهایت می‌توان چنین برداشت کرد که در بسیاری از شعرهای شفیعی کدکنی رمزگان‌ها، نشانه‌ها و عناصر الگوی فرهنگ-نافرهنگ تلفیق شده‌اند و می‌توان در یک شعر، بازنمایی چند رمزگان این الگو را جست‌وجو کرد. نمونه زیر بخشی از تلفیق نشانه‌ها در یک شعر است.

«آخر بهمن است و می‌بینی
باغ از برگ و برف، پوشیده

لیک با عشق، می‌توان دیدن
صدهزاران گیاه سبز و جوان
آرزو و امید آزادی

زیر این برگ‌های پوشیده» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۲: ۱۳۴).

در این بخش تنها به شکلی گذرا مرزبندی‌های رمزگان‌ها و آمیختگی آن‌ها در یک شعر صورت‌بندی می‌شود.

الف. رمزگان‌های بخش فرهنگی در این شعر شامل:

۱. «باغ» به مثابه رمزگان بهار و طبیعت

۲. «عشق» به مثابه رمزگان عشق، دانایی، زیبایی

ب. رمزگان‌های بخش نافرهنگی شامل:

۱. «برگ‌های پوشیده» به مثابه رمزگان ضد طبیعت

پ. رمزگان‌های بخش پادفرهنگی شامل:

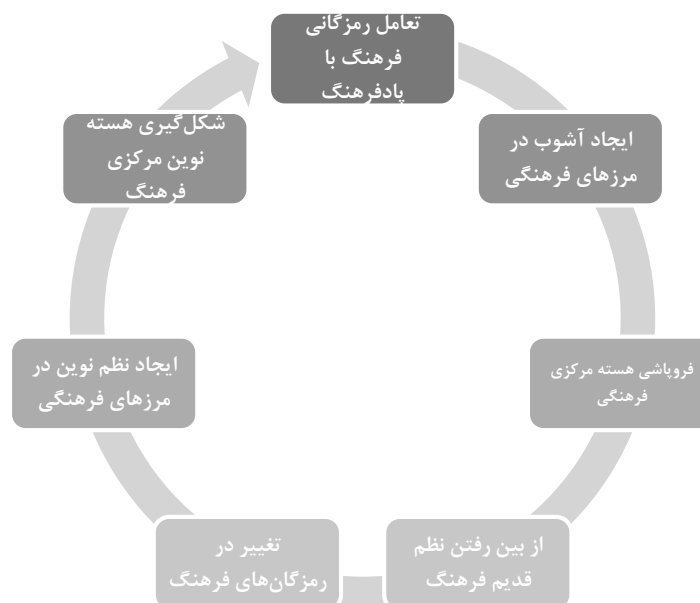
۱. «برف» به مثابه رمزگان زمستان

۲. «بهمن» به مثابه رمزگان زمستان

۳. «برگ» به مثابه رمزگان پاییز

۴. «آرزو و آزادی» به مثابه رمزگان آرزو و آزادی

در نمونه بررسی شده؛ رمزگان‌های مختلف فرهنگی، نافرنگی و پادفرنگی تلفیق شده و در یک شعر نمود پیدا کرده است؛ از این رو می‌توان به دو نکته توجه داشت؛ نخست این‌که مرزبندی‌های میان فرهنگ و نافرنگ، نیز پادفرنگ به صورت فرضی و در فضای ذهنی شاعر درآمیخته و ترکیب شده‌اند. دوم این‌که این آمیختگی نشان دهنده حضور و تأثیر ابرالگوی تقابل‌های دوگانه یوری لوتمان بر ذهن و جهان شاعر است. در آخر بایستی به تعامل و گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها اشاره داشت که سبب ادغام عناصر فرهنگی و پادفرنگی می‌شود؛ بنابراین ایجاد آمیختگی رمزگانی میان فرهنگ و پادفرنگ در الگوی نظم و آشوب، می‌تواند نشان دهنده یکی از الگوهای مرحله‌بندی شده، باشد:



بدین ترتیب می‌توان مرحله تعامل فرهنگ و پادفرنگ و نحوه ایجاد آشوب و نظم در مرزهای فرهنگی را توضیح داد. به سخن دیگر، عناصر پادفرنگی در عناصر فرهنگی شاعر هضم شده و تبدیل به بخشی از نظام معنایی و مرکزی جدید می‌گردد.

نکته قابل توجه دیگری که در بخش‌های قبلی نیز اشاره شد، حضور عناصر یا رمزگان‌های مشترک و تأثیر آن در تعامل میان فرهنگ و پادفرنگ است. به سخن دیگر، عامل تعامل‌پذیری فرهنگ خودی با مرزهای فرهنگ دیگری؛ عناصر مشترک میان این دو است. چنان‌که توضیح داده شد، عنصر مشترک میان دو فرهنگ سبب هم‌زیستی و مبادله فرهنگی می‌شود. در نمونه زیر می‌توان رمزگان‌های مشترک را بازجست.

«وقتی که پنجه‌های تو بر ساز می‌وزد

از خویش و خویشان

مثل نخ ز قرقره‌ای باز می‌شوم.

می‌گسترم به روی افق‌ها و

آب‌ها

از سیم خاردار گذر می‌کنم

آن سوی بادکوبه و گنجه

و آن سوی تاشکند و سمرقند

یک بال در رهایی و یک بال در امید

با ساز تو، ترانه شیراز می‌شوم.

مانند آبشاری،

از ارتفاع روح

پایان ندارد، آنچه تو آغاز می‌کنی.

زین رو به شکر،

شادی آغاز می‌شوم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۸۳-۸۴).

چنان که پیش‌تر نیز بیان شد، عناصر مشترک «شادی»، «طبیعت»، «سرود و ترانه»، «حیوانات» و «امید و آزادی» سبب ایجاد گفت‌وگوها و تعامل‌های فرهنگی شده است. در طرف دیگر، می‌توان حضور عامل دیگری را در تعامل‌پذیری میان فرهنگ خود و دیگری مؤثر دانست. توضیح این‌که همسویی و هدفمند فرهنگ و پادفرهنگ در تقابل با نافرهنگ، سبب گفت‌وگوهای میان فرهنگی می‌شود. در برخی موارد، می‌توان نقش هدفمند دو فرهنگ را در تقابل و مبارزه با نافرهنگ بررسی کرد. این شیوه هم‌زیستی به گونه‌ای است که نبود هدف مشترک میان دو فرهنگ، گاه ممکن است سبب تضاد فرهنگی و تغییر رویکرد فرهنگ از تعامل به تقابل با پادفرهنگ شود.

در ادامه، سازوکار رمزگان‌ها و اثربخشی آن‌ها در تغییر مرکز و حاشیه فرهنگی به سبب تعامل یا تقابل با پادفرهنگ بررسی می‌شود.

۱-۲-۳. رمزگان‌های پذیرفته شده در فرهنگ (ایجاد نظم جدید)

رمزگان‌هایی که عناصر مشترکی میان فرهنگ و پادفرهنگ دارند، مورد پذیرش هسته فرهنگی قرار می‌گیرند و سبب ایجاد نظم نوین در مرزهای فرهنگی می‌شوند. در این بخش با بررسی یک نمونه، شیوه ارتباط فرهنگ و پادفرهنگ و نیز عوامل مؤثر در ایجاد نظم نوین، تحلیل می‌شود.

«آن همه عاشقانی که بودند

وان همه شعله‌ها که سرودند

دیرها آمد و زودها رفت

این زمان آن همه نغمه‌ها را

بر سر شعرهایم فزودند

روح من چنگِ دستانِ عشق است

تارهایش بهاران و باران

دست بر هر کجایی گذارند

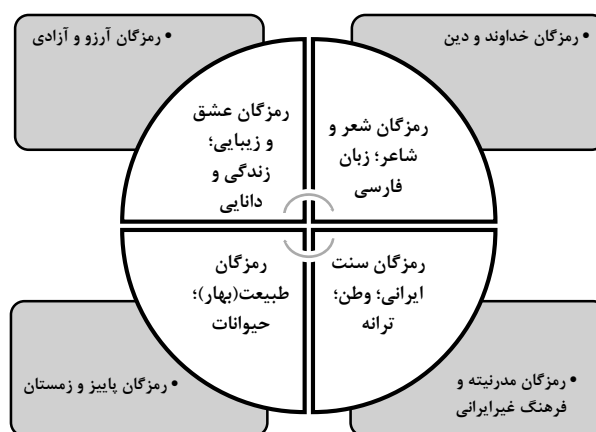
نغمه عاشقان است و یاران

یا رب آن نغمه‌ها را ممیران

یا رب! آوازشان را روان کن

در من، آن شعله‌ها را جاودان کن» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۲: ۴۴۹).

نمونه یاد شده نشان می‌دهد که رمزگان خداوند و مناجات با خداوند به عنوان پادفرهنگی پذیرفته شده از سوی فرهنگ است. در واقع می‌توان رویکرد فرهنگ شعری شفیفی کدکنی را در تمام نمونه‌های احتمالی با رمزگان خداوند و دین، رویکرد تعاملی در نظر گرفت. رویکرد تعاملی و پذیرفته شده از سوی فرهنگ هر کدام از رمزگان‌های اصلی و فرعی پادفرهنگ، در شکل زیر مشخص شده است.

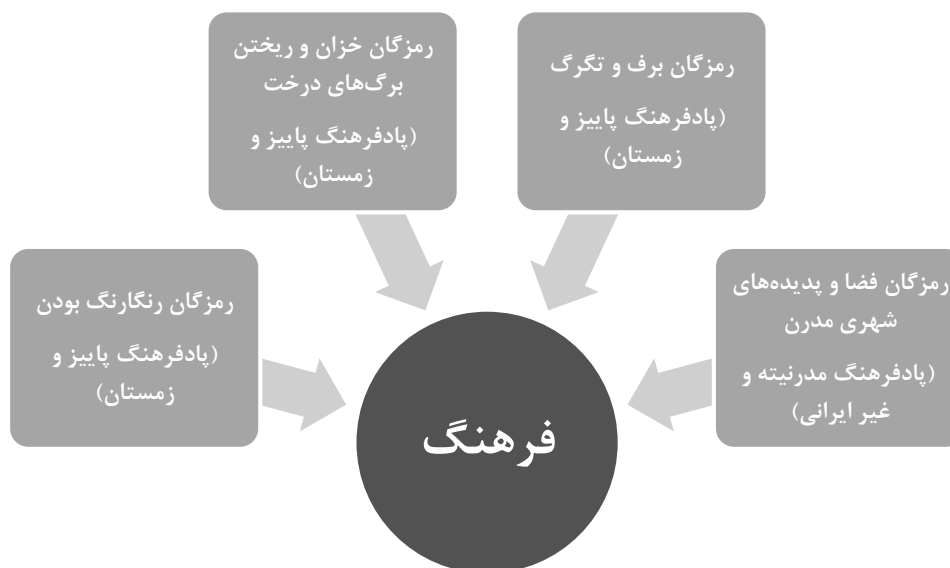


بنابراین در این بخش می‌توان به چند نکته اشاره داشت؛ نخست این‌که رویکرد تعاملی شاعر در بیشتر رمزگان‌های اصلی و فرعی پادفرهنگ، نشان دهنده دیدگاه گفت‌وگومندی او با دیگری فرهنگی است. از طرفی دیگر، ورود این رمزگان‌های پادفرهنگی به گستره فرهنگ، سبب آشوب اولیه و سامان‌دهی ثانویه می‌شود. در واقع فرهنگ شعری شفیفی کدکنی به رغم پذیرش رمزگان‌های فرهنگ دیگری، به واسطه عناصر مشترک و هدف مشترک در برابر نافرهنگ، در هسته مرکزی خود دچار اختلال می‌شود و فضای فرهنگ در موقعیت آشوب قرار می‌گیرد. با این حال، به دلیل رویکرد تعامل‌پذیر شاعر در برابر دیگری فرهنگی، هسته مرکزی شروع به شکل‌گیری و ایجاد نظم نوین در فرهنگ نموده، رمزگان‌های وارد شده در خود را هضم می‌کند.

۲-۳. رمزگان‌های وارد شده در فرهنگ (ایجاد آشوب)

حضور دیگری و گفت‌وگومندی میان فرهنگ خودی و دیگری، سبب انسجام و حفظ مرزهای فرهنگی است. به سخن دیگر، مرزهای فرهنگی جهت حفظ نظم درونی و مرکزی خود، نیز جهت پایداری و ماندگاری هسته فرهنگی، از گفت‌وگو با فرهنگ‌های هم‌جوار یا فرهنگ‌های دوردست ناگزیر است؛ بدین ترتیب، می‌توان گفت‌وگو و تعامل با فرهنگ دیگری را نوعی ضرورت فرهنگی دانست. با این اوصاف، در برخی موارد، سلطه فرهنگ دیگری بر فرهنگ خودی سبب ایجاد آشوب از سوی

پادفرهنگی می‌شود. در این بخش نیز می‌توان به یک نمونه از ایجاد آشوب ناخواسته در مرزهای فرهنگی به واسطهٔ رمزگان‌های پیروز شده پادفرهنگی اشاره داشت.



با توجه به موارد بیان شده، می‌توان رویکردهای فرهنگی شاعر را بیان کرد. شاعر در چهار رمزگان فرعی نام‌برده، رویکرد تقابلی و مقاومت دارد. به سخن دیگر، این چهار رمزگان پادفرهنگی از سوی فرهنگ طرد می‌شوند و حضور آن‌ها سبب ایجاد آشوب در مرزهای فرهنگی می‌شود. از طرفی نیز می‌توان گفت که نبود رمزگان‌های مشترک و عدم حضور هدف مشترک میان دو فرهنگ، سبب ایجاد رویکرد تقابلی فرهنگ با پادفرهنگ شده است. بدین ترتیب، حضور هر کدام از رمزگان‌های پادفرهنگی نام برده سبب ایجاد آشوب در گسترهٔ فرهنگی شده، هستهٔ مرکزی آن را دچار تغییر می‌کند؛ بدین ترتیب می‌توان رویکرد شاعر در برابر پادفرهنگی را به دو بخش تقسیم کرد. نیز دو سازوکار برای کنش و واکنش میان فرهنگی قائل شد. در نمودار زیر نشان داده شده که واکنش فرهنگ در برابر پادفرهنگ چیست و نیز با چه سازوکاری مرکز فرهنگی از سوی عناصر پادفرهنگی روبه‌رو می‌شود.

ردیف	رویکرد فرهنگ	سازوکار فرهنگ	منشاء واکنش فرهنگ
۱.	پذیرش و تعامل	فروپاشی نظم قدیم مرکزی و سپس شکل‌گیری نظم نوین	۱. حضور عناصر مشترک میان فرهنگی ۲. همسویی هدفمند در برابر نافرهنگی

۱. عدم حضور عناصر مشترک میان فرهنگی ۲. تعارض با عناصر درون فرهنگی	پاسداری نظم قدیم مرکزی از آشوب پیرامون	طرد و تقابل	۲.
۱. عدم استحکام عناصر درون فرهنگی ۲. فرسودگی و آشوب درون فرهنگی ۳. حضور عناصر پادفرهنگی در فرهنگ	فروپاشی نظم قدیم مرکزی و ایجاد آشوب	پذیرش و شکست	۳.

۲-۲-۳. سازوکار ایجاد نظم و آشوب در تعامل با نافرنگ

با توجه به رمزگان‌های اصلی و فرعی به دست آمده، می‌توان سازوکار و رویکرد فرهنگ در برابر نافرنگ را ترسیم کرد. در این بخش نشان داده خواهد شد که با چه شیوه و رویکردی، فرهنگ و نافرنگ در سپهر نشانه‌ای شاعر ارتباط می‌گیرند. به دلیل نبود رمزگان مشترک، فرهنگ با نافرنگ رویکردی تعاملی ندارد. به سخن دیگر، هسته مرکزی فرهنگ همواره رویکرد تقابلی نسبت به نافرنگ دارد.

۱-۲-۳. رمزگان‌های وارد شده در فرهنگ (ایجاد آشوب)

تعامل میان فرهنگ و پادفرهنگ به سبب حضور رمزگان‌های مشترک یا همسویی در طرد عناصر نافرنگی، شکل می‌گرفت؛ بنابراین، عناصر نافرنگی می‌تواند با تمام هسته‌های فرهنگی در تعارض و نبرد باشد. به سخن دیگر، نافرنگی در پیرامون حضور دارد و به واسطه طرد از سوی عناصر فرهنگی، شکل گرفته است.

با بررسی یکی از نمونه‌های رمزگان‌های نافرنگی، شیوه ایجاد آشوب در مرزهای نافرنگی معین می‌شود.

«دوران دیگری است

تاریکی است،

در وسطِ ظهر و آفتاب

وقتی که پنجره

درکِ حضور و پنجره بودن نمی‌کند

وقتی که روی شاخه گیلان چلچله

از بیم آنچه دانه و دانی

دیگر هوای نغمه سرودن نمی‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۲: ۲۵۰).

نمونه‌های بررسی شده نمایان‌گر این موضوع است که فرهنگ شفيعی کدکنی در موقعیت‌های توصیفی یا با استفاده از شگرد تصویرسازی، حضور عناصر نافرنگی و ایجاد آشوب در مرزهای فرهنگی را نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب می‌توان رویکرد

او در برابر حضور عناصر نافرنگی را رویکردی شکست خورده و فضای فرهنگی را پس از ورود عناصر پیرامونی، آشوبناک توضیح داد.

۲-۲-۳. رمزگان‌های پذیرفته نشده در فرهنگ (نگهداری نظم قدیم)

با بررسی نمونه‌های دیگری، سازوکار تقابل با نافرنگی مشخص می‌شود. در این بخش، فرهنگ شعری شفیعی کدکنی در برابر نافرنگی و عناصر آن با رویکرد مقاومت و طرد می‌کوشد تا نظم درونی خود را در برابر پیرامون حفظ کند.

«در آنجا،

مرغی،

آواز می‌خواند

به روی شاخهٔ سیم تلگرافی

به آهنگی خوش و شیرین

چه غم دارد که در آن سیم

برای آدمیزادان

خبر شاد است یا غمگین؟» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۲: ۲۱۱).

نمونهٔ یاد شده نشان می‌دهد که شاعر با بهره‌گیری از رمزگان‌های درونی خود و نشان دادن تقابل‌های دوگانه، عناصر نافرنگی را از مرزهای مرکزی خود دور نگه می‌دارد. نیز با توجه به داده‌های به‌دست آمده می‌توان چنین گفت که رویکرد پاسداری از عناصر فرهنگی در برابر پیرامون یا اغلب منجر به شکست و فروپاشی هستهٔ مرکزی یا آشوب می‌شود یا به‌سختی و در تعامل با پادفرهنگ بر ایجاد آشوب درونی غلبه می‌کند.

جدول زیر نشان می‌دهد که رویکرد فرهنگ، سازوکار فرهنگ و منشاء آن، در نمونه‌های بررسی شده، به چه شیوه‌ای می‌تواند سبب ایجاد آشوب یا حفظ نظم در درون مرکز فرهنگی شود.

ردیف	رویکرد فرهنگ	سازوکار فرهنگ	منشاء واکنش فرهنگ
۱.	طرد و تقابل	پاسداری نظم قدیم مرکزی از آشوب پیرامون	۱. یاری‌گیری و تعامل با عناصر پادفرهنگی ۲. تعارض با عناصر پیرامون نافرنگی
۲.	پذیرش و شکست	فروپاشی نظم قدیم مرکزی و ایجاد آشوب	۱. عدم استحکام عناصر درون فرهنگی ۲. فرسودگی و آشوب درون فرهنگی ۳. حضور عناصر پادفرهنگی در فرهنگ ۴. حضور عناصر نافرنگی در فرهنگ

با بررسی‌های انجام شده، می‌توان گفت که حضور عناصر نافرنگی در مرکز فرهنگی و تقابل آن به واسطهٔ بن‌مایه‌های تکرارشوندهٔ «اندوه و غم»، «حسرت»، «نامیدی»، «لحن منفی» و... منعکس می‌شود. از سویی دیگر سازوکارها و رویکردهای

تحلیل شده، نشان می‌دهد که فرهنگ شعری شفيعی کدکنی خود را ملزم به تعامل با پادفرهنگ در جهت حفظ هسته مرکزی می‌داند. این موضوع بیان‌گر رویکرد تعامل‌پذیر و گفت‌وگومندی شاعر با فرهنگ دیگری است. به سخن دیگر و با نگاهی کلی، می‌توان شفيعی کدکنی را شاعری تعامل‌پذیر در ارتباط با پادفرهنگ‌ها (به واسطه عناصر مشترک) دانست که همواره در جهت پاسداری از عناصر فرهنگی با نافرهنگ و پیرامون در تقابل است.

نتیجه

پژوهش حاضر، بر پایه الگوی نظم و آشوب، به تعریف و پی‌جویی مفهوم فرهنگ و عناصر آن بر اساس دو دفتر شعری «طفلی به نام شادی» و «نامه‌ای به آسمان» از محمدرضا شفيعی کدکنی پرداخته‌است. نیز این الگو با رویکردی سازوکارمحور و خرد و کلان، چینش، ثبات و بی‌ثباتی مرزهای فرهنگی و ضد فرهنگی را در اشعار شفيعی بررسی کرده‌است. در این الگو تعامل‌پذیری و نحوه ارتباط‌گیری فرهنگ و پادفرهنگ و نافرهنگ ترسیم شد. نیز در ادامه به دو مفهوم عمده نظم و آشوب و نحوه چینش آن در قلمروهای فرهنگ و ضد فرهنگ سپهر نشانه‌ای شفيعی کدکنی اشاره گردید.

بر اساس الگوی نظم و آشوب لوتمان، هر کدام از رمزان‌های چهارگانه فرهنگ، پادفرهنگ و نافرهنگ در شعر شفيعی کدکنی، در تقابل یا تعامل با یکدیگر و در یک گفتمان مشخص شکل می‌گیرند؛ به همین سبب، ایجاد نظم و آشوب در شعر شفيعی کدکنی در هر رمزان فرهنگی با رمزان مرتبط دیگری در گستره پادفرهنگی یا نافرهنگی شکل می‌گیرد. تعامل رمزان میان فرهنگ و پادفرهنگ سبب حرکت از نظم قدیم فرهنگ به سوی آشوب و شکل‌گیری نظم نوین می‌شود. از سویی دیگر، چینش نظم و آشوب در شعر شفيعی کدکنی با رویکردهای مختلفی صورت می‌پذیرد. در تعامل با پادفرهنگ، یکی از حالت‌های زیر محتمل است: ۱. ایجاد نظم جدید به واسطه رمزان‌های پذیرفته شده در فرهنگ ۲. ایجاد آشوب به واسطه رمزان‌های وارد شده در فرهنگ. این رویکرد در برابر نافرهنگ نیز چند حالت دارد: ۱. ایجاد آشوب به واسطه رمزان‌های وارد شده در فرهنگ ۲. پاسداری از نظم قدیم به واسطه رمزان‌های پذیرفته نشده در فرهنگ.

روند زیر نشان‌دهنده چینش نظم و آشوب در تعامل فرهنگ با پادفرهنگ در شعر شفيعی کدکنی است: ۱. تعامل رمزان فرهنگی با پادفرهنگ ۲. ایجاد آشوب در مرزهای فرهنگی ۳. فروپاشی هسته مرکزی فرهنگی ۴. ازبین رفتن نظم قدیم فرهنگ ۵. تغییر در رمزان‌های فرهنگ ۶. ایجاد نظم نوین در مرزهای فرهنگی ۷. شکل‌گیری هسته نوین مرکزی فرهنگ.

با به‌کارگیری این الگو در خوانش دو دفتر شعری شفيعی کدکنی، رمزان‌های مورد استفاده او در حوزه فرهنگی و ضد فرهنگی بیان گردید. نیز با توجه به رمزان‌ها، گستره فرهنگی و نافرهنگی در اشعار او، سازوکار ایجاد آشوب یا نظم بررسی و مطالعه شد.

به نظر می‌رسد فرهنگ شعری شفيعی کدکنی به مثابه نظام نشانه‌ای آزاد و سیال است. به سخن دیگر، با توجه به الگوهای نظم و آشوب، به بازسازی و بازتولید معنا می‌پردازد. فرهنگ شاعر با رویکرد گفت‌وگومندی و مکالمه یا مذاکره یا کشمکش با پادفرهنگ و نافرهنگ، نظم و آشوب را تجربه می‌کند. بدین جهت، عناصر فرهنگی و معناآفرینی در مرزهای فرهنگی به واسطه تعامل یا تعارض با انواع دیگری شکل می‌گیرد؛ از این رو فرهنگ شعری شفيعی کدکنی را می‌توان ساختی نیمه‌باز دانست. فرایند گفت‌وگومندی با پادفرهنگ به عنوان محرکی در جهت ایجاد آشوب و ساخت نظم نوین فرهنگی عمل

مقاله پژوهشی

می‌کند. تحلیل شعر شفیعی کدکنی با الگوهای نشانه‌شناسی فرهنگی، نشان می‌دهد که گفت‌وگومندی با دیگری، به مثابه فرایندی در جهت بازسازی، بازآفرینی و پویایی فرهنگ خودی در مواجهه با بحران‌های درونی و بیرونی محسوب می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که رمزگان‌های موجود در دفترهای شعر «طفلی به نام شادی» و «نامه‌ای به آسمان»، گستردگی بسیاری دارد. البته می‌توان دسته‌بندی منظمی از رمزگان‌های فرهنگی شعر شفیعی کدکنی ارائه داد؛ اما برخی از نمونه‌ها نیز خارج از رده‌بندی ارائه شده جای می‌گیرند. آنچه در این پژوهش با توجه به نمونه‌های بسیاری، می‌توان بدان اشاره داشت، این است که شفیعی کدکنی به عنوان یک شاعر معتقد به حفظ اصول و عناصر و نظم فرهنگ، در جهت پویایی و حفظ عناصر خود فرهنگی، قائل به تعامل و رابطه دوسویه با پادفرهنگ است و پویایی و بازسازی فرهنگ خود را در تعامل با عناصر دیگری، ضروری می‌داند.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع

الف. فارسی

- احمدی، بابک (۱۴۰۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: مرکز.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۳). «مفاهیم متقابل طبیعت و فرهنگ در حوزه نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب مسکو/تارتو» در مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر. به کوشش فرزانه سجودی. تهران: فرهنگستان هنر، صص ۱۷۹-۲۰۴.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۰). «معناسازی با چینش آشوب در نظم در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی» در نشانه‌شناسی فرهنگ (ی). مجموعه مقالات نقد‌های ادبی هنری. به کوشش امیرعلی نجومیان. تهران: سخن، صص ۸۷-۱۱۸.
- پوسنر، رولان (۱۳۹۰). «اهداف اصلی نشانه‌شناسی فرهنگی». ترجمه شهناز شاه‌طوسی، در مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگی. به کوشش فرزانه سجودی. تهران: علم، صص ۲۶۴-۲۹۳.
- توروپ، پیترو (۱۳۹۰). «ترجمه کردن و ترجمه به مثابه فرهنگ». ترجمه گلرخ سعیدنیا، در: نشانه‌شناسی فرهنگی. به کوشش فرزانه سجودی. تهران: علم، صص ۲۰۱-۲۲۰.
- چندلر، دانیل (۱۳۹۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. تهران: سوره مهر.
- رضائی، محمد (۱۴۰۳). «تأثیر تنوع فرهنگی بر تشدید ناامنی شهرهای خوزستان در نیمه دوم حکومت آل بویه (۳۷۲-۴۴۷ ق)». *تاریخ فرهنگ ایران*. (۱۱)، صص ۶۵-۸۵.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). «دلالات از سوسور تا دریدا» در مجموعه مقالات نشانه‌شناسی: نظریه و عمل. تهران: علم، صص ۴۷-۷۱.
- سرفراز، حسین (۱۳۹۳). «نشانه‌شناسی فرهنگی مکتب روسیه-تارتو، درآمدی بر فرهنگ‌شناسی روس» در نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ارتباطات. به کوشش حسین سرفراز. تهران: دانشگاه امام صادق، صص ۶۷-۹۳.
- سمتکو، الکسی (۱۳۹۶). *تار و پود فرهنگ: درآمدی بر نظریه نشانه‌شناسی یوری لوتمان*. ترجمه حسین سرفراز. تهران: علمی و فرهنگی.
- سنسون، گوران (۱۳۹۰). «خود دیگری را می‌بیند: معنای دیگری در نشانه‌شناسی فرهنگی». ترجمه تینا امراللهی، در مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگی، به کوشش فرزانه سجودی. تهران: علم، صص ۱۵۳-۱۹۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۹). *طفلی به نام شادی*. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۴۰۲). *نامه‌ای به آسمان*. تهران: سخن.
- صفوی، کورش (۱۳۹۷). *آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات*. تهران: علمی.

مقاله پژوهشی



گرنی، یوگنی (۱۴۰۱). «نشانه‌شناسی چیست؟». ترجمه محمد غفاری. در نشانه‌شناسی (مقالات کلیدی). گزینش و ویرایش امیرعلی نجومیان. تهران: مروارید، صص ۱۷-۲۹.

لاروسو، آناماریا (۱۳۹۸). نشانه‌شناسی فرهنگی: جست‌وجوی منظری فرهنگی در نشانه‌شناسی. ترجمه حسین سرفراز. تهران: علمی و فرهنگی.

لیونگبرگ، کیرستینا (۱۳۹۰). «مواجهه با دیگری فرهنگی: رویکردهای نشانه‌شناختی به تعامل بین‌فرهنگی». ترجمه تینا امراللهی، در مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگی. به کوشش فرزانه سجودی. تهران: علم، صص ۱۱۹-۱۵۱.

مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۸). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مه‌رمان مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.

نعمتی، علیرضا و دزفولیان، درسا (۱۴۰۴). «گردشگری آیینی و مذهبی در ایران: پیوند باورها با توسعه گردشگری فرهنگی». *تاریخ فرهنگ ایران*. ۲ (۱). صص ۹۰-۱۰۸.

همرستینگل، ورنر (۱۴۰۱). «پیشینه نشانه‌شناسی». ترجمه مسعود فرهمندفر، در نشانه‌شناسی (مقالات کلیدی). گزینش و ویرایش امیرعلی نجومیان. تهران: مروارید، صص ۳۹-۴۲.

ب. انگلیسی

Lotman, Iurii and Boris Uspenskij (1978). "On the Semiotic Mechanism of Culture." *New Literary History* 9 (2): pp 211-32.

Lotman, Iurii (1975). "The Discrete Text and Iconic Text: Remarks on the Structure of Narrative." *New Literary History* 6 (2): pp 333-38.

Lotman, Iurii (1990). *Universe of the Mind: A Semiotic Theory of Culture*. Translated by Ann Shukman. London, New York: 1. B. Tauris & Co.

Posner, Roland & Roberson, Klaus & Sebeok, Thomas A (2004). *Semiotics: A Handbook on the Sign-theoretic Foundations of Nature and Culture*. Berlin: Walter de Gruyter, vol 4.

فهرست منابع فارسی به آوانگاری انگلیسی

Ahmadi, B. (1400/2021). *Sakhtar va Ta'vil-e Matn* [Structure and Interpretation of Text]. Tehran: Markaz [In Persian].

Chandler, D. (1397/2018). *Mabani-e Neshaneshenasi* [Semiotics: The Basics]. Translated by M. Parsa. Tehran: Sureh-e Mehr [In Persian].

Gorny, E. (1401/2022). "Neshaneshenasi Chist?" [What is Semiotics?]. Translated by M. Ghaffari. In A. Nojournian (Ed.), *Neshaneshenasi (Maghalat-e Kelidi)* [Semiotics (Key Articles)], pp. 17-29. Tehran: Morvarid [In Persian].

Hammerstein, W. (1401/2022). "Pishineh-ye Neshaneshenasi" [The History of Semiotics]. Translated by M. Farahmandfar. In A. Nojournian (Ed.), *Neshaneshenasi (Maghalat-e Kelidi)* [Semiotics (Key Articles)], pp. 39-42. Tehran: Morvarid [In Persian].

La Russo, A. (1398/2019). *Neshaneshenasi-e Farhangi: Jost-o-jou-ye Manzar-e Farhangi dar Neshaneshenasi* [Cultural Semiotics: In Search of a Cultural Perspective in Semiotics]. Translated by H. Sarfaraz. Tehran: Elmio Farhangi [In Persian].

Ljungberg, C. (1390/2011). "Movaajeh ba Digari-ye Farhangi: Roykardha-ye Neshaneshenakhti be Ta'amol-e Beynafarhangi" [Encountering the Cultural Other: Semiotic Approaches to Intercultural Interaction]. Translated by T. Amrollahi. In F. Sojoodi (Ed.), *Majmou'e Maghalat Neshaneshenasi-e Farhangi* [Collected Articles on Cultural Semiotics], pp. 119-151. Tehran: Elm [In Persian].

Makaryk, I. R. (1398/2019). *Daneshnameh-ye Nazariyeha-ye Adabi-ye Mo'aser* [Encyclopedia of Contemporary Literary Theory]. Translated by M. Mohajer & M. Nabavi. Tehran: Agah [In Persian].

Pakatchi, A. (1383/2004). "Mafahim-e Motaghabel-e Tabiat va Farhang dar Hozeh-ye Neshaneshenasi-ye Farhangi-ye Maktab-e Mosco/Tartu" [Opposing Concepts of Nature and Culture in the Field of Cultural Semiotics of the Moscow/Tartu School]. In F. Sojoodi (Ed.), *Majmou'e Maghalat Avvalin Hamandishi-ye*

- Neshaneshenasi-ye Honar* [Collected Articles from the First Symposium on Semiotics of Art], pp. 179-204. Tehran: Farhangestan-e Honar [In Persian].
- Pakatchi, A. (1390/2011). "Ma'nasazi ba Chinesh-e Ashoub dar Nazm dar Roykard-e Neshaneshenasi-ye Farhangi" [Meaning-Making through the Arrangement of Chaos in Order in a Cultural Semiotic Approach]. In A. Nojournian (Ed.), *Neshaneshenasi-e Farhang(i): Majmou'e Maghalat Naghdha-ye Adabi-ye Honari* [Semiotics of Culture(al): Collected Articles on Literary and Artistic Criticisms], pp. 87-118. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Posner, R. (1390/2011). "Ahdaf-e Asli-ye Neshaneshenasi-e Farhangi" [The Main Goals of Cultural Semiotics]. Translated by S. Shahtoosi. In F. Sojoodi (Ed.), *Majmou'e Maghalat Neshaneshenasi-e Farhangi* [Collected Articles on Cultural Semiotics], pp. 264-293. Tehran: Elm [In Persian].
- Qolipur, A., & Rezaei, H. (1403/2024). "Ta'sir-e Tanavvo'-e Farhangi bar Tashdid-e Nāamni-ye Shahr-hā-ye Khuzestān dar Nimeh-ye Dovvom-e Hokumat-e Āl-e Buyeh (372-447 Q.)" [The Impact of Cultural Diversity on Intensifying Insecurity in the Cities of Khuzestan During the Second Half of the Āl-e Buyeh Rule (372-447 AH)]. *Tārikh-e Farhang-e Irān*, 1(1), pp. 65-85. [In Persian].
- Rafiei, F., & Rahimi, M. A. (1403/2024). "Gerdishgari-ye Āyini va Mazhabi dar Irān: Peyvand-e Bāvar-hā bā Tose'eh-ye Gerdishgari-ye Farhangi" [Ritual and Religious Tourism in Iran: The Link Between Beliefs and Cultural Tourism Development]. *Tārikh-e Farhang-e Irān*, 2(1), pp. 90-108. [In Persian].
- Safavi, K. (1397/2018). *Ashnayi ba Neshaneshenasi-e Adabiyat* [An Introduction to Literary Semiotics]. Tehran: Elmi [In Persian].
- Sarfaraz, H. (1393/2014). "Neshaneshenasi-e Farhangi-ye Maktab-e Rusie-Tartu, Daramadi bar Farhangshenasi-ye Rus" [Cultural Semiotics of the Russian-Tartu School, an Introduction to Russian Cultural Studies]. In H. Sarfaraz (Ed.), *Neshaneshenasi-e Farhang, Honar va Ertebatat* [Semiotics of Culture, Art and Communications], pp. 67-93. Tehran: Daneshgah-e Imam Sadegh [In Persian].
- Semenenko, A. (1396/2017). *Tar-o-Pood-e Farhang: Daramadi bar Nazariyeh-ye Neshaneshenasi-ye Yuri Lotman* [The Fabric of Culture: An Introduction to Yuri Lotman's Semiotic Theory]. Translated by H. Sarfaraz. Tehran: Elmi-o Farhangi [In Persian].
- Sénéchal, G. (1390/2011). "Khod Digari ra Mibind: Ma'nay-e Digari dar Neshaneshenasi-e Farhangi" [The Self Sees the Other: The Meaning of the Other in Cultural Semiotics]. Translated by T. Amrollahi. In F. Sojoodi (Ed.), *Majmou'e Maghalat Neshaneshenasi-e Farhangi* [Collected Articles on Cultural Semiotics], pp. 153-199. Tehran: Elm [In Persian].
- Shafi'i Kadkani, M. R. (1399/2020). *Tefli be Nam-e Shadi* [A Child Named Joy]. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Shafi'i Kadkani, M. R. (1402/2023). *Nameh-i be Aseman* [A Letter to the Sky]. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Sojoodi, F. (1388/2009). "Delalat: Az Saussure ta Derrida" [Signification: From Saussure to Derrida]. In *Majmou'e Maghalat Neshaneshenasi: Nazariyeh va Amal* [Collected Articles on Semiotics: Theory and Practice], pp. 47-71. Tehran: Elm [In Persian].
- Torop, P. (1390/2011). "Tarjomeh Kardan va Tarjomeh be Mesabeh-ye Farhang" [Translating and Translation as Culture]. Translated by G. Saeidnia. In F. Sojoodi (Ed.), *Neshaneshenasi-e Farhangi* [Cultural Semiotics], pp. 201-220. Tehran: Elm [In Persian].